

Handwritten Arabic calligraphy in black ink on a white background. The text is highly stylized and appears to be a single word or phrase, possibly "الحمد لله" (Alhamdulillah), written in a cursive, flowing style. The ink is thick and black, with some white space within the strokes, suggesting a wet brush or a specific calligraphic technique. The overall composition is dynamic and expressive.

# شیوه زندگی در اقشار اجتماعی

تالیف:

برهان نادری

ویراستار

محمد امین پرنا

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۷

### بخش اول ..... ۹

کلیات ..... ۹

### بخش دوم ..... ۱۷

ادبیات نظری موضوع ..... ۱۷

سوابق نظری تحقیق ..... ۱۷

مقدمه‌ای بر طبقه اجتماعی و قشر بندی اجتماعی .... ۱۷

چالش پارادایم‌ها در مطالعه طبقه اجتماعی ..... ۳۷

مقدمه‌ای بر سبک زندگی (Life style) ..... ۵۰

مفهوم سبک زندگی در دهه ۸۰ ..... ۵۷

بحث‌های امروزی سبک زندگی ..... ۵۹

سبک زندگی و فرهنگ ..... ۶۹

مارکس ، طبقه اجتماعی و سبک زندگی ..... ۷۲

- مقدمه‌ای بر روش‌شناسی مارکس ..... ۷۲
- دیدگاه مارکس از طبقه ..... ۸۰
- مارکس - طبقه و سبک زندگی ..... ۸۵
- ماکس وبر و سبک زندگی ..... ۸۹
- نظریه‌های مدرن درباره طبقه اجتماعی ..... ۱۰۲
- ساختار شغلی ..... ۱۱۶
- بورديو و جامعه‌شناسی ..... ۱۱۸
- روش‌شناسی بورديو ..... ۱۲۸
- مفاهيم ..... ۱۳۹
- طبقه از دیدگاه بورديو ..... ۱۳۹
- سرمایه ..... ۱۴۴
- در هر طبقه‌ای جناح‌هایی وجود دارند که از دو طریق  
قابل تشخیص است: ..... ۱۵۶
- جمع‌بندی نظریه بورديو ..... ۱۷۶
- تورشتاین وبلن (۱۸۵۷-۱۹۲۹) ..... ۱۷۹
- مروری بر سوابق تجربی ..... ۱۸۷

جمع‌بندی دیدگاه‌های نظری و تدوین چارچوب نظری

تحقیق ..... ۱۹۵

سلیقه موسیقایی + سلیقه سینمایی + سلیقه ادبی = سطح

سلیقه ..... ۲۱۷

متغیر مستقل تحقیق: طبقه اجتماعی ..... ۲۱۸

سرمایه فرهنگی ..... ۲۲۷

متغیر مستقل تحقیق: طبقه اجتماعی ..... ۲۳۹

حالت عینیت یافته: ..... ۲۵۰

حالت نهادی شده: ..... ۲۵۲

چارچوب نمونه‌گیری ..... ۲۸۳

## **بخش سوم ..... ۲۸۵**

روش‌شناسی موضوع ..... ۲۸۵

مفاهیم و متغیرها: ..... ۲۸۶

چگونگی سنجش ..... ۲۸۶

نوع روش تحقیق: ..... ۲۸۸

۲۸۹..... : ابزارهای تحقیق

۲۸۹..... : واحد تحلیل و سطح تحلیل

۲۹۰..... : جامعه آماری

۲۹۰..... : واحد آماری

۲۹۲..... : حجم نمونه تحقیق

۲۹۳..... : شیوه نمونه گیری

۲۹۵..... مطالعه مقدماتی

**۲۹۸..... منابع**

**۳۰۷..... پرسش نامه**

۳۰۷..... بخشی از جداول دوبعدی

مفهومی که ما در این کتاب به آن پرداخته‌ایم، شیوه زندگی می‌باشد. انتظار می‌رود که بررسی این مفهوم در نهایت به ما معلوم دارد که این مفهوم تحت تأثیر طبقه اجتماعی تا چه حد بر گستره شناخت ما از فرآیندها و روندهای زندگی خواهد افزود. قضاوت درباره این که تا کجا توانسته‌ایم این مفهوم را با توجه به جامعه ایران بررسی کنیم، به عهده خواننده است اما با توجه به کمبود منابع پژوهشی مربوط به سبک زندگی در ایران امکان مقایسه داده‌های تجربی وجود ندارد. فرض اصلی تحقیق که از نظریه بوردیو استنتاج شده است اینست که «بین طبقه اجتماعی و سبک زندگی رابطه وجود دارد» سبک همان اعمال و کارهایی است که به شیوه خاص طبقه‌بندی شده و حاصل ادراکات خاصی هستند. سبک زندگی تجسم یافته ترجیحات افراد است که به صورت عمل درآمد و قابل مشاهده هستند و الگوی غیرتصادفی

و ماهیتی طبقاتی دارد. سبک زندگی به وسیله شاخص‌هایی مانند: نوع روابط اجتماعی نحوه گذران اوقات فراغت، سلیقه و مدیریت بدن مورد سنجش قرار گرفته است. متغیر مستقل این تحقیق با عنوان طبقه اجتماعی به وسیله دو شاخص میزان سرمایه اقتصادی و میزان سرمایه فرهنگی به صورت شاخصی تجمعی در ارتباط با سبک زندگی قرار گرفته و فرض اصلی این اثر علمی مورد تأیید تجربی قرار گرفته است.



# بخش اول

## کلیات

امروزه تجربه زندگی، تجربه امکانات و تجربه چگونه زیستن، تجربه‌ای است که در درون ساختارها شکل گرفته و تکرار می‌شود. مردان و زنان درگیر زندگی در سراسر دنیا تجربه‌های متفاوتی از چگونه زیستن را از سر می‌گذرانند، بخش اعظم این تجارب در درون ساختارهایی شکل می‌گیرد که از قدیم‌الایام تاکنون، به صور گوناگون وجود داشته‌اند. طبقه اجتماعی یکی از آن ساختارها محسوب می‌شود و سبک زندگی همان نوع تجربه‌ای است که بدان اشاره شد.

«جامعه‌شناسانی که ماشین زمان را متوقف کرده‌اند و با تلاش فراوان (در دوران مدرنیته و سرمایه‌داری) وارد موتورخانه آن شده‌اند تا نقش طبقه را در مسیرتاریخ پیدا کنند، می‌گویند که نتوانسته‌اند جای طبقه را پیدا کنند،

آنها فقط توانسته‌اند افراد بی‌شماری را با مشاغل، درآمدها و سلسله مراتب متفاوت مشاهده کنند (۹۳۹ : ۱۹۶۸ , Thompson). البته آنها درست می‌گویند، چرا که طبقه اجتماعی یک بخش از ماشین نیست بلکه طرز کارکردن و حرکت آن است. جامعه‌شناسان با هر دیدگاه و مشرب فکری، در راه شناخت جامعه ناچارند دست به گروه‌بندی انسانها، مفاهیم و حتی رویکردها بزنند. قدمت برخی از این دسته‌بندی‌های شناخته شده به قبل از جامعه‌شناسی برمی‌گردد. بی‌شک طبقه اجتماعی چنین ویژگی را در تمایز با دیگر مفاهیم دارا می‌باشد. بخش بزرگی از تألیفات جامعه‌شناسان به طبقه اجتماعی و پیامدهای آن در زندگی اجتماعی اختصاص داده شده است. برخی از جامعه‌شناسان در مورد علل و عوامل ایجاد چنین ساختاری بحث‌های فراوان مطرح نموده و بسیاری دیگر، زندگی اجتماعی انسانها را در طبقات مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند، فرصت‌های زندگی، سلامت

جسمانی و روانی آموزش، شیوه‌های تربیتی یا سبک والدین و در نهایت سبک زندگی از جمله شاخص‌هایی هستند که بارها در تقابل با طبقه اجتماعی قرارداد شده‌اند.

از دهه ۷۰ تاکنون بحث‌های متفاوت و گسترده‌ای در خصوص سبک زندگی به مثابه یک مفهوم مدرن صورت گرفته است. مفهوم سبک زندگی دارای حوزه‌های گسترده مطالعاتی است که یکی از این حوزه‌ها مطالعات فراغت است. چالش‌های تئوریک و سنجش‌های گسترده‌ای حول این موضوع صورت گرفته اما در یک دسته‌بندی می‌توان گفت که دو رویکرد به این مفهوم از همه مباحث و رویکردهای دیگر متمایزند. رویکرد اول سبک زندگی را به عنوان متغیر و شاخصی جهت سنجش طبقه اجتماعی در نظر گرفته و به تعبیری سبک زندگی را متغیر وابسته تعریف نموده که تغییراتش بسته به متغیرهایی چون جنس، سن، طبقه اجتماعی و...

می‌باشد. رویکرد دوم با اعتقاد به اینکه شالوده‌های ساختاری (بخصوص طبقاتی) در جامعه معاصر به واسطه تغییرات بسیار گسترده و ژرف از هم گسسته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که سبک زندگی امری نیست که در نتیجه عضویت گروهی، طبقاتی یا استمرار کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شود بلکه فرد در جامعه مدرن مختار است سبک زندگی خود را به طور مداوم و روزمره بیافریند و در فعالیت‌های خود به صورت آشکاری مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد. بنابراین در این دیدگاه اعضای جامعه مدرن کلان شهر به کمک موقعیت یا ویژگی‌های ساختاری آنها تبیین نمی‌شوند. محقق با درک تغییرات گسترده مدنظر پست مدرنیته‌ها و حتی بخشی از نظریات مدرن درخصوص مفاهیم طبقه اجتماعی و سبک زندگی، در کتاب فوق سعی دارد به پاسخ چند سؤال دست یابد. پرسش اصلی کتاب اینست که در اوضاع و احوال فعلی کلان شهری مثل تهران آیا می‌توان خطوط تمایز و تشابه سبک‌های زندگی را

براساس متغیرهای ساختاری تبیین نمود. هدف بنیادی کتاب حاضر انجام پژوهشی جامعه‌شناختی پیرامون سبک زندگی در طبقات بالا، متوسط و پایین و همچنین بررسی ابعاد و مؤلفه‌های شکل‌دهنده ساختار طبقات اجتماعی و سبک زندگی می‌باشد. چارچوب کلی ترسیم اهداف اصلی پژوهش حاضر براساس نظریه بوردیو درباره شاخص‌های مورد نظر درخصوص ترسیم ساختار طبقاتی شکل گرفته است. مقایسه سبک‌های زندگی سه طبقه یادشده هدف دیگر این پژوهش محسوب می‌شود. هدف دیگر پژوهش بررسی تفکیکی سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی بر روی سبک زندگی می‌باشد. هدف عمده دیگر در این خصوص بر این مبنا می‌باشد که آیا همانگونه که خود بوردیو در کنش عملی اعلام می‌کند، مطالعات و سنجش‌های انجام گرفته توسط ایشان قابلیت تعمیم به شرایط ایران را دارد یا نه، هدف دیگر پژوهش حاضر این است که آیا

می‌توان میزان و نوع سرمایه (اعم از فرهنگی و یا اقتصادی) را به عنوان شاخص و معیار تفکیک طبقات از یکدیگر در نظر گرفت و آیا سه طبقه یادشده تفاوت‌هایی در زمینه‌هایی چون روابط اجتماعی، نحوه گذران اوقات فراغت، سلیقه و مدیریت بدن دارا می‌باشند. حوزه‌های علمی مختلفی با اهدافی متفاوت، مطالعاتی درخصوص سبک‌های زندگی و اوقات فراغت به انجام رسانده‌اند، مطالعات بر روی اجتماعات مهاجر، مطالعات شهری، تحقیقات بازاریابی، توریسم و در بخشی بحث‌های نظری درخصوص موضوع یادشده انجام گرفته است. به نظر می‌رسد درخصوص طبقه اجتماعی در ایران، نوع فضای زیست هر کدام از این طبقات مطالعات کمتری صورت گرفته است. با در نظر گرفتن رشد و گسترش طبقه متوسط مصرفی و شکل‌گیری طبقه اجتماعی جدیدی بعد از انقلاب (نوکیسه‌ها) و ظهور طبقه مرفه جدید، شاخه‌هایی از علوم انسانی و جامعه‌شناسی به بررسی سبک‌های زندگی تمایل پیدا نموده‌اند. آدرس بخشی از

این کارها به صورت میان رشته‌ای بخصوص در زمینه بازاریابی در ایران انجام گرفته است . با بهم‌ریزی مرزهای طبقاتی که در دوران رژیم پیشین در حال نضج گرفتن بود . به نظر می‌رسد دوره‌ای از تاریخ ایران که در آن شعارهای یکسان‌سازی و نفی طبقه‌ای بودن جامعه تبلیغ می‌شد به سرآمده است و با گسترش طبقه متوسط خدماتی و طبقه تسلط یافته به عنوان طبقه مرفه ، بعد از انقلاب ضروری به نظر می‌رسد که این آرایش و زندگی اجتماعی انسانهای واقع در این طبقات مورد بررسی قرار گیرد. ضرورت دیگر پژوهش ضرورتی نظری و جامعه‌شناختی محسوب می‌شود . ورود بحث سرمایه فرهنگی و دیگر اقسام سرمایه به عرصه مطالعات فرهنگی و دوری از تحلیل‌های جزم‌گرایانه و ایدئولوژیک از جامعه ضروری می‌نمایند که مطالعات و پژوهش‌های نظری و تجربی در اشل گسترده و یا حتی محدود درخصوص بحث بوردیو از فضای طبقاتی ،

در ایران شکل گرفته و عملیاتی شود . بنابراین مباحث  
بوردیو به عنوان یک فرضیه قابل بررسی ضرورتی،  
جهت جامعه‌شناسی محسوب می‌شود.



# بخش دوم

## ادبیات نظری موضوع

### سوابق نظری تحقیق

### مقدمه ای بر طبقه اجتماعی و قشر بندی اجتماعی

برای فهم و شناخت جوامع انسانی، هیچ موضوعی با اهمیت تر از طبقه اجتماعی نظر جامعه‌شناسان را به خود جلب نکرده است. بخش بزرگی از متفکران اجتماعی از ارسطو و افلاطون گرفته تا مارکس و وبر سئوالات اساسی خود را حول محور طبقه اجتماعی و سیستم‌های طبقاتی ساخته و پرداخته و تحلیل نموده‌اند. واقعیت آنست که شناخت از زاویه و چشم‌انداز طبقاتی به جامعه، عرصه‌هایی از فهم را بر ما می‌گشاید که بقیه مفاهیم رایج در علوم اجتماعی رسمی چنین کارکردی را نمی‌تواند داشته باشد. نگاه از زاویه طبقاتی بودن جامعه

به ما کمک می‌کند که بدانیم مردم چگونه زندگی می‌کنند، چگونه فرصت‌های بهتری برای زندگی کردن بدست می‌آورند، بهداشت روانی و فیزیکی و امید به زندگی آنها به چه صورت تأمین می‌شود و آیا در تحلیل نهایی جایگاه افراد در این دسته‌بندی‌ها بر موارد یادشده تأثیر می‌گذارد یا نه؟ در یک سطح عامتر، سیستم طبقاتی بر حوادثی مانند جنگ و صلح، بهبود یا رکود اقتصادی، بیکاری و تورم، سیاست‌های حکومتی و بسیاری انواع دیگر تأثیرگذار می‌باشد. بیشتر مردم از این واقعیت آگاهند که تعداد اندکی از مردم، ثروتمند و بسیاری دیگر فقیرند. عموماً مردم نسبت به نیروهای اجتماعی سیستماتیکی که چنین فرآیندی را ایجاد می‌کنند، آگاهی کمتری دارند و از این موضوع نیز غافلند که این شرایط برآیند و نتیجه نهایی ساختار اجتماعی و عملکرد نیروهای اجتماعی داخل آن ساختار است. آنها ترجیح می‌دهند که فکر کنند، خود انسانها مسئولیت چنین سرنوشتی را دارند، این چنین اعتقادی به

طور ویژه در نزد مردم ثروتمند قوی تر است . اکثر مردم به این امر واقفند که برخی از افراد تأثیر گذاری بیشتری نسبت به دیگران دارند «این تأثیرات نشأت گرفته از قدرتی است که توانایی شکل دهی به مسایل ملی، مانند جنگ و صلح ، اقتصاد مناسب و رفاه اجتماعی را دارا می باشد» ( ۱۱ : ۲۰۰۳ , Kerbo ) مجدداً همان مردم معمولاً از اینکه چگونه سیستمی از اشکال قشر بندی اجتماعی بر پایه نفوذ همان مؤثران تدوین و تنظیم شود، کمتر آگاهند و کمتر به دنبال پاسخ به سئوالات یاد شده هستند . آنها نمی خواهند و یا نمی توانند باور کنند که مردان و زنان بزرگ تاریخ نیز تولید شده سیستمی از قشر بندی اجتماعی می باشند . گرچه نابرابری های اجتماعی ، ساخت طبقاتی جامعه در تحلیل نهایی ، واقعیت اجتماعی راه خود را در تأیید چنین فرآیندی می پیماید.

در مطالعه طبقه اجتماعی و پیامدهای وجود چنین سیستمی بر زندگی افراد، طرح چند سؤال لازم است. یکی از مهمترین سئوالات این است که چگونه و چرا بخشی از مردم، ثروتمند و بسیاری دیگر فقیرند؟ «تیین عامه در زمینه ثروت و فقر بر حسب ویژگی‌های جسمی، ذهنی و روانی افراد است» (Kerbo, ۲۰۰۳: ۱۲).

اغلب معتقدند که ثروتمندان به این خاطر ثروتمندند که انگیزه‌ها و استعدادها برتری دارند و برعکس فقرا فاقد آن انگیزه‌ها و استعدادها می‌باشند. حتی در برخی موارد ویژگی‌های اخلاقی پایین‌تری نیز به فقرا نسبت می‌دهند. هرکس باید در این پاسخ شک کند و پرسد که چه تعداد استعداد استثنایی در میان فقیران وجود داشته و دارد که به دلیل فقر هرگز فرصت و شانس رشد را پیدا نکرده‌اند. اگر بچه‌ای از یک خانواده فقیر در ابتدای تولد خود توسط خانواده‌ای ثروتمند پذیرفته شود حاصل و نتیجه این زندگی چه خواهد بود؟ بنابراین اینکه گفته شود اکثر مردم ثروتمند معمولاً از نظر

بیولوژیکی برترند. ، پوچ و عبث است و باید دنبال پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای در این زمینه باشیم که در فرآیند طرح بحث نظری جواب داده خواهد شد.

سؤال دوم اینست که آیا زمینه طبقاتی اولیه افراد بر فرصت‌های بهتر شدن آموزش، شغل مناسب‌تر، فرصت‌های درآمدی بهتر و بیشتر برای افرادی که در این طبقات هستند، تأثیرگذار است و آیا ویژگی‌های شخصیتی، شبیه هوش، آرزوها، اشتیاق‌ها و خودارزیابی‌ها تحت تأثیر ساخت طبقاتی جامعه شکل گرفته و به نتیجه می‌رسند؟

سؤال سوم مطرح شده در این زمینه اینست که چرا زمینه‌های اجتماعی<sup>۱</sup> متفاوتی در جامعه وجود دارد؟ در واقع با این سؤال بدون پیشرفت زیادی به سؤال اول.

باید درباره ماهیت رابطه جامعه با افراد پرسیم که چه نیروهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به تولید و ایجاد

طبقه اجتماعی کمک می‌کنند. در ارتباط با این سؤال ، باید پرسیم که طبقه اجتماعی تا چه اندازه برای جامعه ضروری است و در تحلیل نهایی چه کارکرد مثبتی دارد . حتی اگر ما شواهدی بیابیم که طبقه اجتماعی در برخی جنبه‌ها مفید و سودمند می‌باشد آیا این سودمندی و نتیجه‌گیری ، قابل تعمیم به کل جامعه می‌باشد ؟ به هر حال جواب این پرسش‌ها و سئوالات متعدد دیگر ساده و آسان نمی‌باشد .

لنسکی در مطالعات خود از قشربندی اجتماعی سعی کرد که به این سؤال جواب دهد :

« چه کسی ، چه چیزی را و چرا بدست آورده است؟  
لنسکی مطرح کرد که با توجه به محدودیت منابع ارزشمند در هر دوره تاریخی می‌خواهیم بدانیم چرا برخی ثروتمندان سهم بیشتری در کسب این منابع دارند. وقتی چنین سئوالی را مطرح می‌کنیم لازم است همزمان به بدشانسی‌های فقرا و خوش‌شانسی‌های ثروتمندان

همراه با تنظیمات اجتماعی عمومی و ساختار اجتماعی  
توجه کنیم» (لنسکی، ۱۹۶۶: ۳).

پاسخ به این سئوالات و سئوالات متعدد دیگر به معنی  
صحبت کردن از وجود پیامدهای اجتماعی - اقتصادی ،  
سیاسی و فرهنگی طبقه اجتماعی، قشربندی اجتماعی،  
نابرابری اجتماعی و تأثیر آن بر زندگی و کنش‌های  
مردم هست . جهانی بودن طبقه اجتماعی چنین القا  
می‌کند که در ساختار اجتماعی ، ویژگی‌های عمومی  
وجود دارد که منشاء این ساخت است . در ابتدایی‌ترین  
نوشته‌ها درباره شرایط زندگی انسانی ، مباحثی را درباره  
نابرابری، تقسیم اجتماعی و گروه‌بندی غنی و فقیر  
می‌توان یافت گرچه شاید دلیل آن گناهکاری، کمیابی ،  
خشم‌خدایان و . . . اعلام شده باشد، اما این اشارات  
موضوع قابل توجهی است

برخی از اولین اندیشه‌ها درباره این موضوع در  
نوشته‌های پیامبران اولیه که تقریباً ۸۰۰ سال قبل از مسیح

زندگی می‌کردند ، یافت شده است « در نوشته‌های حضرت موسی و حضرت عیسی نیز اتهاماتی درباره اعضاء ثروتمند و قدرتمند جامعه یافت می‌شود » (همان : ۳).

متفکران از همان آغاز به مسایل دسته‌بندی جامعه توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند و در بحث‌هایشان ویژگی‌های ذاتی و پایدار این شرایط را خاطر نشان نموده و نقش آنها را در زندگی اجتماعی مطرح کرده‌اند . ارسطو به همان اندازه درباره چنین شرایطی صحبت نمود که افلاطون به بررسی آن پرداخت . برای ارسطو این وضعیت طبیعی بود و قابل نقد نبود. او در حدود ۳۵۰ سال قبل از میلاد مسیح در "سیاست" نوشت :

«بنابراین روشن است که ماهیتاً مردان آزاد و برده وجود دارد و رابطه مردان و زنان به وسیله ماهیت آنچه که یکی برتر و دیگری تحت سلطه باشد قرار دارد . . .» (دارندورف ، ۱۹۶۱ : ۱۵۳). افلاطون در بنای جامعه جدیدش بر پایه عدالت، ثبات اجتماعی و انضباط درونی



بحث جامعه طبقاتی را مطرح کرد. از نظر افلاطون مشخصات مدینه فاضله یا جامعه آرمانی که شهریان فیلسوف در آن حکومت می کنند، جامعه‌ای با ساختار طبقاتی است که شهروندان، درون هر یک از طبقات سه گانه زمامداران، طبقه نگهبان و طبقه کارگر جای می گیرند:

«در هر کشور مردم به سه گروه (طبقه) اند: آنان که بسیار توانگرند، آنان که بسیار فقیرند و آنان که میان این دو گروه اند.» (تامین، ۱۳۷۳).

در طول قرن هفدهم، هیجدهم و به ویژه نوزدهم ماهیت و علل نابرابری اجتماعی، طبقه اجتماعی و پیامدهای آن، موضوعی مناقشه برانگیز بود. در طول دوران روشنگری، طبقه اجتماعی مسلط دوره فئودالی به وسیله فیلسوفانی چون ژان ژاک روسو (۱۷۸۷-۱۷۱۲) شارل منتسکیو (۱۷۵۵-۱۶۸۹) مورد نقد و حمله قرار گرفت و فیلسوفانی در قرن نوزدهم همچون لویی

دوبونالد (۱۸۴۰ - ۱۷۵۴) ، ژوزف دومیستر (۱۸۲۱ - ۱۷۵۳) ، سن سیمون ، تئوری‌های سیستماتیکی از جامعه را بر مبنای بررسی در این زمینه تدوین کردند . تئوریهایی که در آن ماهیت طبقه اجتماعی نقش مرکزی را ایفا می‌کرد و نقد نابرابری در دوره فئودالی بود . «علم جامعه که بعداً جامعه‌شناسی نامیده شد ، از کار این فیلسوفان ظهور کرد و با وجود این فیلسوفان ، ماهیت طبقه اجتماعی ، سؤال مرکزی برای علم جدید مهیا کرد» (دارندورف : ۱۹۶۸).

دانشمندان علوم اجتماعی به صورت کاملی بر سر نوع‌بندی و دسته‌بندی یا روش مقایسه انواع سیستم‌های قشربندی اجتماعی - که در سراسر تاریخ جوامع انسانی وجود داشته‌اند - توافق ندارند . در این میان عموماً پنج نوع دسته‌بندی نسبتاً پذیرفته شده که اکثراً توسط جامعه‌شناسان مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته به شرح ذیل می‌باشد :

۱. اجتماعات ابتدایی<sup>۱</sup>

۲. برده‌داری<sup>۲</sup>

۳. کاست<sup>۳</sup>

۴. زمین‌داری یا فئودالی<sup>۴</sup>

۵. سیستم طبقاتی<sup>۵</sup> (Heller , ۱۹۸۷)

هریک از این پنج دسته را می‌توان بر حسب داشتن

پنج مشخصه و ویژگی بررسی و توصیف نمود :

۱. باز یا بسته بودن این سیستم‌ها (تحرک عمودی)

۲. روش واقعی منزلت‌یابی یا کسب جایگاه طبقاتی

۳. روش مشروعیت‌بخشی<sup>۶</sup> به این سیستم‌ها

۴. شکل مسلط نابرابری موجود در این سیستم‌ها

---

1. Primitive communal societies

2. Slavery

3. Caste

4. Feudal or estate societies

5. Class system

6. The Process of Legitimation

۵. سطح تطبیقی از نابرابری در هر نوع از سیستم  
قشربندی موجود

در مورد اولین ویژگی ، هر یک از ۵ سیستم قشربندی  
اجتماعی بر حسب درجه هنجاری بسته یا بازبودن این  
سیستم‌ها رتبه‌بندی می‌شوند . برای مثال هنجارهای  
اجتماعی ممکن است بر افراد آزاد تأکید کند و افراد  
بتوانند از یک دسته و طبقه به دسته یا طبقه دیگر بروند .  
برعکس در جوامعی ممکن است تحرک عمودی ممنوع  
باشد و افراد در جایگاهی که متولد شده‌اند زندگی را به  
پایان برسانند.

در مورد ویژگی دوم ، روش‌های متفاوتی برای  
شناخت و درک جایگاه واقعی مردم در سیستم قشربندی  
اجتماعی وجود دارد . این روش‌ها طیفی طولانی از  
ویژگی‌های انتسابی تا ویژگی‌های اکتسابی را در  
بر می‌گیرند . جایگاه اکتسابی به جایگاهی که بر پایه  
شایستگی‌های شخصی یا شرایط (تقریباً) در کنترل انسان  
به دست می‌آید، تعریف می‌شود.

سرانجام هر جامعه‌ای در جهت تداوم و پیوستگی و بازتولید نابرابری و قشربندی اجتماعی، روش‌هایی جهت توجیه نابرابریهای موجود و دفاع از وضعیت کنونی در بین اعضاء خود بکار می‌برد. این روش‌ها نوعاً به فرآیندی با عنوان مشروعیت بخشی<sup>۱</sup> اشاره دارند. به عبارت دیگر کسانی که در پایین‌ترین رده اجتماعی در سیستم قشربندی قرار دارند باید به گونه‌ای متقاعدشان کرد که جایگاه پایینشان درست و مناسب است. سنت و عرف به عنوان نیروهای مشروعیت بخش در گذشته - و تاحدودی در دوران حاضر - عمل می‌کرده‌اند. مردم ممکن است فکر کنند که این فرایندها همیشه بوده و خواهند بود. بنابراین ذهنشان را بر هر جایگزینی در این میان می‌بندند و ممکن است از توجیه ایدئولوژیک سیستماتیکی در این میان استفاده نمایند. بیشتر اوقات

---

1. The process of legitimation

نوعی از توجیه ایدئولوژیکی در قالب مذهب نمایان می‌شود.

«دادن صفت برتر توسط مذهب برای کسانی که در بالای هرم نظام‌های قشربندی اجتماعی قرار دارند - به دلیل اینکه آنها را حامل یک نیروی روحانی و خدایی پنداشته و تبلیغ می‌کند - توجیه و در جهت تداوم این جایگاه، مشروعیت‌سازی می‌کند. توجیه مذهبی با نوعی وعده پاداش (معمولاً در زندگی دنیای دیگر یا در بهشت) همراه است و این شامل کسانی می‌شود که از قواعد و الزامات طبقه حاضرشان یا جایگاه کاستی که در آن قرار دارند اطاعت کرده و به داشته موجود قناعت کنند» (Kerbo: ۲۰۰۳).

انواع نابرابری را که در اکثر جوامع انسانی یافت شده است می‌توان در سه بعد ۱. نابرابری در احترام، منزلت یا مقام، ۲- نابرابری در پاداش‌های مادی یا قدرت اقتصادی، ۳- نابرابری بر پایه قدرت بوروکراتیک، سیاسی یا نظامی دسته بندی کرد. در اکثر

جوامع این سه بعد نابرابری ، همپوشانی<sup>۱</sup> دارند. برای مثال در ارتباط با ویژگی پنجم می توان شکلی از درجه نابرابری در ۵ نوع سیستم قشربندی اجتماعی ارائه نمود.

«نابرابری در جوامع اجتماعی اولیه بسیار پایین ، در جوامع برده داری و زمین داری بسیار بالا و این نابرابری در جوامع صنعتی در حد متوسطه و میانه می باشد.»  
(کوزرو روزنبرگ : ۱۳۷۸)

سرانجام انقلاب صنعتی (به عنوان نیروی تحلیل سطح میانه) سیستم جدیدی از قشربندی را که ما سیستم طبقاتی می نامیم ، شکل داد. برخی از ویژگی های سیستم طبقاتی در امپراطوری رم باستان قابل شناسایی است. اما آن سیستم قشربندی - به مانند جوامع صنعتی امروز - قابلیت و قدرت گسترش به بقیه نقاط دنیا را نداشته است . البته این بدان معنی نیست که بگوئیم سیستم طبقاتی در سراسر دنیا به یک نوع است در این زمینه تفاوت های

---

1. Overlap

فراوانی می‌توان یافت. به عبارت دیگر اگرچه می‌توانیم مدل نظری از سیستم طبقاتی را مشخص کنیم، اما این مدل نظری در واقعیت واریانس زیادی دارد. یکی از مشخصه‌های بارز جوامع طبقاتی تکیه آنها بر پایه اقتصاد و صنعت است. با تغییر زیرساختار<sup>۱</sup> اقتصادی اواخر دوره فئودالی در اروپا، اشراف قدیم جایگاه اقتصادی و تسلط سیاسی خود را از دست دادند. در همین زمان نابرابری‌های انتسابی و تقسیم‌های فئودالی سخت و محکم از صحنه محو شد. (و به قول مارکس هرآنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود) (مارشال برمن : ۱۳۸۰). جوامع صنعتی جدید به سیستمی متفاوت از سیستم قشربندی گذشته احتیاج داشتند و آن در صورتی بود که طبقه اقتصادی جدید، گسترش و تسلط پیدا می‌کرد. سیستم قشربندی جدید باید می‌توانست به نیاز آموزش جهت تولید جواب دهد.

---

1. SubStructure



نیروی کاری که در اقتصاد صنعتی پیچیده به کار گرفته می‌شد باید مهارت بیشتری بدست می‌آورد. در این راستا سیستم قشربندی جدید بعد از انجام فرآیند آموزش دادن به نیروی انسانی، مجبور شد سرانجام به گونه‌ای نسبتاً محدود براساس توانایی و شایستگی‌های افراد نسبت به تغییر جایگاه طبقاتی نیروی آموزش دیده اقدام کند. بنابراین به گونه‌ای هنجاری، رده‌بندی‌های باز براساس سطوح برتری از کسب ویژگی‌های اکتسابی، وجه ممیز سیستم قشربندی اجتماعی جدید در مقابل سیستم قبلی محسوب می‌شد. اما لازم است یادآوری شود که تأکید بر رده‌بندی باز و کسب ویژگی اکتسابی در جوامع طبقاتی به معنی وجود تأکید بر برابری نیست بلکه:

«تأکید بر نتایج نابرابر از وجود فرصت‌های برابر یا رقابت آزاد است. در این زمینه اعتقادی وجود دارد که کسانی که توانایی بیشتری دارند به رده‌های بالاتری هدایت می‌شوند. به هر حال سطوح واقعی نابرابری بین

اقلیت‌ها و عموم مردم در مقایسه با انواع سیستم‌های  
قشربندی گذشته کاهش یافته است» ( *Nolon and* )  
*Lansk, ۱۹۹۸*.

جوامع صنعتی جوامع کشاورزی پیشرفته اجتماعات  
کشاورزی اولیه اجتماعات ابتدایی اولیه پایین هیأت  
حاکمه در جوامع طبقاتی، سودها و منفعت‌های مادی  
کمتری نسبت به نوع مشابه خود در جوامع فئودالی ،  
کاستی یا نظام‌های برده‌داری نمی‌برند . اما تعداد بیشتری  
از مردم وضعیت بهتری پیدا کرده‌اند . سرانجام بگونه‌ای  
عینی جدایی بین هیأت حاکمه و توده مردم کاهش یافته  
است. اگر چه نابرابری در بسیاری از جوامع صنعتی ابعاد  
تازه‌ای به خود گرفته اما با در نظر گرفتن تغییراتی که در  
نظام جهانی روی داده باید در تحلیل نهایی به جزئیات  
بیشتری در این زمینه بنگریم. در حال حاضر بیشتر  
نظریات اشاره به فرآیندهایی دارند که در جوامع طبقاتی  
مشروعیت‌سازی را انجام می‌دهند . این مسئله آنچنان که

برای دیگر سیستم‌های پیشین مطرح بود برای جوامع طبقاتی نیز مطرح است.

«نابرابری و طبقه در جوامع طبقاتی در مقیاس بزرگی به وسیله ایدئولوژی برابری فرصت‌ها توجیه و تداوم می‌یابد» (Huber, ۱۹۷۳ : ۹۷۵). بنابراین تأکید هنجاری بر روی رده‌بندی باز و کسب ویژگی‌های اکتسابی، فرآیندهای مشروعیت بخش محسوب می‌شوند. این ایدئولوژی برخی دیگر از رتبه‌ها را از طریق سیستم قانونی نهادینه کرده است. در زمانی که خط‌مشی صوری قانون بر این است که رقابت آزاد یا برابری فرصت‌ها را ترفیع دهد، قانون‌گرایش دارد که از فعالیت اقتصادی انحصاری جلوگیری کند و در عوض دسترسی به فرصت‌های آموزش و شغل را افزایش دهد. «بر مبنای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیقات مختلف آنگونه که شواهد نیز نشان می‌دهد این قانون با حيله و قبل از کاربردی کردن آن در بخشی به عنوان جنبه‌ای از

مشروعیت بخشیدن به نابرابری‌های موجود عمل می‌کند.» (Kerbo , ۲۰۰۳ : ۷۶)

جدول ۱. انواع سیستم‌های قشربندی و مشخصه‌های آنها

انواع سیستم‌ها	رده‌ها	نحوه کسب جایگاه	شکل مشروعیت بخش	پایه اولیه رتبه‌بندی
اجتماعات اولیه	باز	اکتسابی	سنتی	تقدس - منزلت
سیستم برده‌داری	عموماً بسته	معمولاً انتسابی	ایدئولوژی قانونی	اقتصاد
سیستم کاستی	بسته	انتسابی	ایدئولوژی مذهبی	تقدس - منزلت
زمینداری یا فئودالی	در مراحل اولیه بسته	در مراحل اولیه انتسابی	ایدئولوژی قانونی	اقتصاد
سیستم طبقاتی	تاحدودی باز	ترکیبی از انتسابی و اکتسابی	ایدئولوژی قانونی	اقتدار بورکراتیک و اقتصادی

## چالش پارادایم‌ها در مطالعه طبقه اجتماعی

روش برخی از دانشمندان علوم اجتماعی در تأکید بر داده‌های تجربی و نتایج آنها بدون بهره‌گیری از رهیافت نظری مورد نقد جدی است. آنچه برای علوم طبیعی درست و صحیح انگاشته می‌شود برای علوم اجتماعی کمتر صادق است، آنچنان که آلبرت گفت:

«برای خلق یک تئوری، جمع نشانه‌های ثبت شده هرگز کافی نیست بلکه همیشه نوعی ابداع آزاد ذهنی که به قلب موضوع نفوذ کند را باید اضافه کرد. امروزه این ایده، که واقعیت‌ها به تنهایی و به وسیله خودشان می‌توانند دانش عالی بدون ساخت مفهومی آزاد ایجاد کنند، رد شده است.» (Dukas and Hoffman, ۱۹۷۵: ۲۴-۲۵).

قبل از اینکه به مهم‌ترین نظریه‌های مربوط به بحث طبقه اجتماعی و قشربندی پردازیم مفید خواهد بود که

در مورد تضاد پارادایم‌ها در مطالعه موضوعات ذکر شده بحث کوتاهی مطرح گردد. در ابتدای این بحث باید به دو نکته توجه گردد:

۱. گرچه خواهیم دید که در زمانهای خاصی، ارزشها و پیش‌فرض‌های مرتبط سیاسی بر تعریف، پرداختن و مطالعه قشربندی اجتماعی تأثیرگذار بوده و می‌باشد اما بحث طبقه اجتماعی و سبک زندگی، جنبه‌های سیاسی را بررسی نمی‌کند. به هر حال واقعیتی بیرونی وجود دارد که پیچیده و چندبعدی است و نظریه‌ها در تلاشند به فهم این واقعیت‌ها نائل گردند. آنگونه که کوهن در ۱۹۷۰ نوشت:

«آنچه‌چنان که دانشمندان علوم طبیعی کوشش می‌کنند موضوع عینی را به وسیله پیش‌فرض‌های تست نشده بفهمند، دانشمندان علوم اجتماعی نیز باید چنین کاری صورت دهند.» (Kerbo, ۲۰۰۳: ۵۸).

۲. در ارتباط با این سطح از تئوری عمومی یا پارادایم‌ها، نباید درباره اینکه یک پارادایم درست یا

غلط است، حقیقت دارد یا اشتباه است ، سؤال کنیم . باید درباره اینکه یک پارادایم مفید یا کمتر مفید است ، بحث و گفتگو کرده و به دنبال جواب سئوالات مطرح شده باشیم. بیشتر پارادایم‌ها و تئوری‌های عمومی به دنبال برخی از بینش‌های مهم درباره قشربندی اجتماعی جریان پیدا کرده‌اند اما برخی ممکن است از بقیه بیشتر مفید باشند . در مقام موضوع قشربندی باید بیشتر به این سؤال توجه کنیم که چه کسی چه می‌گوید و چرا چنین می‌گوید ؟ به گونه‌ای غالب در جامعه‌شناسی برخی از انواع نظریه‌های تضاد قادر بوده‌اند که جواب‌های مفیدتری برای مقولات مطرح شده ارائه دهند. ( Kerbo ۲۰۰۳:۵۸ ).

در سالهای اولیه جامعه‌شناسی ، دو نظریه یا پارادایم مطرح شده و در سطوح کلان بر رشد نظریه‌های قشربندی اجتماعی تأثیر گذاشتند . در مقایسه این دو نظریه عمومی از جامعه باید به شناخت عمده‌ترین

چشم‌اندازهایی که کارکرد گرائی و تضاد از جامعه دارند، تأکید کنیم. در هر دو نظریه کوشش شده به این سؤال که جامعه چگونه ممکن است؟ پاسخ داده شود و در سؤال بعدی، به چه دلایلی توده عظیمی از مردم در جوامع صنعتی بزرگ، بیشتر اوقات از قواعد اطاعت می‌کنند و چگونه است که بین گروه‌های دارای منافع متفاوت، تعامل منظمی بدون تضاد شکننده دائمی می‌بینیم؟ (در جواب به این سئوالات به کارهای دارندورف ۱۹۵۹ و ان دن برگ ۱۹۶۳: هورتون ۱۹۶۶ و کوهن ۱۹۶۸ بنگرید) می‌توانیم سه مدل عمده پیش‌فرض بر پایه اختلاف بین پارادایم‌های کارکردگرایی و تضاد مطرح کنیم.

۱. اصل مطلب دیدگاه کارکردی اینست که جامعه بوسیله توافق عمومی بر روی عمده‌ترین ارزش‌ها و هنجارها توانسته است تشکیل و تداوم یابد. در این دیدگاه اینگونه توصیف می‌شود که گرایش به اطاعت از قواعد بخاطر اینست که از طریق یک فرآیند